

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

حبیب اندیوال

۱۴ جون ۲۰۲۰

یادی از مجید بزرگ و همه جانبازان انقلابی و آزادیخواه میهن

به مناسبت چهلمین سالگرد جاودانگی مجید، سردار انقلابی و بانی "ساما"

دوستان و رفقای گرامی!



تا جایی که مرتبط با کار رفیق مجید، در فعالیت رفقای کوهدامن حضور فیزیکی داشته ام، این نوشته را به عنوان چشمدید خودم و حاصل آن رابطه، خدمت خوانندگان این متن تقدیم می دارم.

زنده یادان "مجید" و "قیوم رهبر"، دو برادر تبعید شده همراه با خانواده از تبعیدگاه هاشم جلاد در قندهار برگشتند و قدم در زادگاه خویش در تاکستان های شمالی گذاشتند. این دو هم‌رمز از همان لحظه ورود به کوهدامن، با مردم خود عهد و پیمان بسته و بذر مبارزات آزادیخواهی و عدالت اجتماعی را در میان جوانان سلحشور منطقه افشاندند و آنان را علیه ظلم و استبداد نظام سلطنتی فرتوت

و به خصوص، خاندان غدار نادرشاهی، در رأس هاشم جلاد و ملاکان مستبد به مبارزه رهنمائی و تشویق کردند.

جوانان آگاه، روشنفکران، کارگران، دهقانان، منتقدان محلی و حتی روحانیون روشن بین ملیت ها و اقوام با هم برادر کشور به صدای مجید و یارانش لبیک گفتند.

مجید در شروع کار مبارزاتی، جوانان با سواد را به تحصیل و کتابخوانی و دهقانان و کارگران را با شعار – ز گهواره تا گور دانش بجوی – به سواد آموزی تشویق و کمک می کرد و روز به روز به تعداد هوادارانش افزوده می شد. آوازه های آزادیخواهی، وطنپرستی و عیاری مجید و یارانش از تاکستان های شمالی تا هندوکش و پامیر و تا ریگستان های نیمروز و بکوا و کاجستان های پکتیا در سراسر افغانستان عزیز طنین افکنده و در شهر و دهات به قصه های شب هنگام مادران و خواهران برای اطفال، تبدیل شد. روشنفکران، جوانان و آزادیخواهان از همه اقوام مختلف کشور با وحدت کامل، آرزوی دیدار و ملاقات با مجید و هم‌زمانش را داشتند.

دولت شاهی وقت و صدارت داوود خان و سپس جمهوری قلابی حرکات آزادیخواهی مجید و یارانش را زیر ذره بین استخباراتی خود قرار داده و دست به تحرکات استخباراتی – نظامی ناموفقی زدند، که به ضرر رژیم های شاهی و "جمهوری" و به نفع مجید و یارانش تمام شده و بر شهرت افسانه‌ئی، اقتدار و تحکیم پایگاه توده‌ئی و حمایت و پذیرش مردمی مجید افزود.

این جانب نیز شاهد دیدار روشنفکران و آزادیخواهان کشور با مجید بودم. من هم از صنف نهم تا صنف دوازدهم مکتب لیسۀ میر بچه خان در کوهدامن با دوستان خوبی که اکنون جاودانه شده اند، از قبیل شاه محمد(پردل)، خیر محمد، سلطان، سخی محمد، ظفر، عطاء محمد، ملا محمد، ستار(معلم ستار)، نور عالم، واجد، کبیر و... با تعدادی در یک صنف و با بقیه در یک مکتب با هم همکاری داشتیم. ماه دو بار به دیدار رفیق مجید و همزمانش می رفتیم. در آن آوان مجید خیلی سرگرم دیدار با مردم بود، همیشه در حرکت بود و از صبح تا شام از یک محل به محل دیگر می رفت. یک دوست همیشگی اش بود که هر لحظه می دانست مجید کجاست. آن دوست وفادار دیرینه الحاج یار محمد نام داشت که در بازار علاقه داری (فعلاً ولسوالی) کلکان دکان قصابی داشت. برای ملاقات، سراغ مجید آغا را از وی می گرفتیم و به دیدارش می رفتیم. بسا اوقات در منزل خیر محمد که پسر خاله زنده یاد مجید بود و یا باغ خود مجید و یا منزل یارانش، با وی دید و بازدید کرده و از صحبت ها و رهنمائی هایش مستفید می شدیم.

در همان سال ها مجید به یک سفر طولانی در سراسر کشور رفت تا از نزدیک و از زبان خود مردم محروم جامعه مشکلات و صحبت های شان را بشنود و در عین حال پیمان دوستی و رفاقت با جوانان، عیاران و مردم محلات کشور ببندد. دیری نگذشت که مجید به یک اسطوره، قهرمان مردمی، آموزگار توانا و مبارز پیشگام علیه استبداد در بین توده های محروم و تحت ستم خلق کشور تبدیل شد.

کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ش و تبدیل رژیم شاهی به جمهوری قلابی، به اشاره اخلاف پتر کبیر در کرملین و به کوشش داوود خان و اشتراک باند های وطنفروش "خلقی و پرچمی"، فضای کشور و فعالیت های علنی سیاسی روشنفکران و مبارزات توده ئی در کشور را تغییر داده و پیچیده ساخت. مجید و همزمانش این کودتا را محکوم کرده و نتیجه آن را جا به جایی دیکتاتوری به شیوه جدید و در ظاهر "جمهوریت"، خوانده و به زیان زحمتکشان تحت ستم و استثمار و کشور دانستند.

در دوره جمهوری قلابی پر از استبداد و اختناق داوود خانی، حرکت ضد استبدادی مجید و یارانش از محدوده کابل و شمالی فراتر رفته و در سطح کشور از نگاه کمی و کیفی راه ترقی و تکامل را پیموده و به حیث پیشگام مبارزات ضد ارتجاعی و ضد استعماری، به خط اول مبارزه تبدیل شده بود.

چند سالی گذشته بود که کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ و متعاقب آن تجاوز نظامی آشکار سوسیال امپریالیسم اشغالگر روس با فرمان های دیکته شده به دولت دست نشانده قبل از آن، کشور ما را به سوی بحران و جنگ تجاوزکارانه خطرناک آن اشغالگر برای حدود یک دهه کشانید. تعقیب و دستگیری، شکنجه، اعدام های دسته جمعی بدون محاکمه آزادیخواهان، روشنفکران انقلابی، کارگران، زحمتکشان شامل زن و مرد، منتقدان محلی، روحانیون و تجاوز بر حریم زندگی خصوصی مردم، کشور و مردم ما را در شرایط خطرناکی قرار داد.

زمان آن رسیده بود که مجید و همزمانش در یک دست قلم و در دست دیگر تفنگ را برداشته و با شعار "یا مرگ یا آزادی"، رهنمود مشهور انقلابی بزرگی که تجربه یکی از بزرگ ترین انقلاب های قرن بیستم در اندیشه اش بیان شده است، مبنی بر "قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می آید!"، را به کار بستند. مجید و یارانش با تعداد زیادی از روشنفکران انقلابی کشور ما بنا بر ضرورت آغاز مبارزه متشکل، سازمان آذیبخش مردم افغانستان (ساما) را بنیان گذاشته و پا به میدان نبرد مسلحانه علیه دولت پوشالی مزدور کرملین نشینان استعمارگر و سپس لشکر متجاوز روسی، گذاشتند. در نتیجه این سیاست ضد ملی و ضد مردمی رژیم کودتا و مداخلات بی شرمانه نواستعماری، تجاوز و اشغالگری مستقیم روس اشغالگر به کشور آبائی ما افغانستان، مردم ما قریه به قریه و شهر به شهر علیه ظلم و استبداد رژیم مزدور و تجاوز ارباب روسی آن به پا خاستند. در این نبرد میهنی نابرابر، حدود دو میلیون از رزمندگان فدائی و

توده های عاشق آزادی جان های شیرین شان را عاشقانه فدای آزادی میهن و هم میهن به پاخاسته کردند و هزارانی دیگر زخمی و معلول شدند.

در آغاز حرکت های خو به خودی توده ها، مجید و (ساما) برای انسجام بخشی و سرتاسری ساختن این قیام های توفنده توده ئی، دست به ابتکار تازه ای زده و "جبهه متحد ملی افغانستان" را به زعامت خود مجید تشکیل دادند. آن جبهه نیرو های وسیعی را در یک انسجام مبارزاتی برای سرنگونی قهری رژیم کودتا و کوتاه ساختن دست تجاوزگر روسی از کشور، در صفوف خود منسجم ساخته و در راه آزادی وطن و هموطن از تسلط اشغالگران روسی، تحت رهبری مجید رزمید. با تأسف که پس از گرفتاری و جاودانه شدن مجید و یارانش در رهبری (ساما) و وارد آمدن ضربات کاری روس، خاد و اخوان بر تشکیلات و مواضع نظامی (ساما) و سائر نیرو های انقلابی و آزادیخواه کشور؛ مدیریت جنگ به دست امپریالیست های غربی، ارتجاع منطقه و جهادی های اخوانی افتاد و این نیرو های بیرونی و داخلی جنگ مقاومت ملی مردم افغانستان را به سوی منافع استعماری و ارتجاعی به بیراهه کشانیدند. در نتیجه آن، در ادامه جنگ های ویرانگر ارتجاعی و تجاوزکارانه تا همین امروز در وطن ما، حوادث تکان دهنده ای خلق شد که اثرات نابودکننده، فاجعه بار و اسارتبار آن تا هم اکنون ادامه دارد.

این همه فداکاری ها و کارنامه های درخشان مبارزاتی مجید و دیگر جانبازان راه آزادی میهن و هم میهن ستمدیده زیر درفش پرافتخار (ساما) و دیگر انقلابیون و آزادیخواهان، به نسل های امروز و فردای کشور و اعضاء و هواداران (ساما) به ارث رسیده است. ما که خود را هوادار و وارث مجید و (ساما) و افتخارات شان می دانیم، باید به طور فردی و جمعی از خود بپرسیم که به عنوان وارثانی که این امانت به ما می رسد، تا به امروز چه کرده ایم و امروز و فردا چه وظائفی داریم؟

تعدادی جاه طلب بی توجه به کار جمعی تشکیلاتی که خود را بناحق وارثان مجید و (ساما) تلقی می کنند و به خاطر هیچ و پوچ و مطرح ساختن خود، سنگر نویسندگی در سایتک ها، فیسبوک ها و تویتر ایجاد کرده اند، ضمن گریز از تشکیلات و کار جمعی، در صدد تخریب رفقای شان برآمده، نفاق و شقاق را دامن زده و در راه تقویت سازمان مجید در داخل افغانستان سنگ اندازی می کنند و مشغول فراکسیون بازی اند. این عده هر ساله به بهانه تجلیل سالگرد مجید و جانبازان (ساما)، محفل هائی تشکیل می دهند که محتوای سکنارپستی و تفرقه افکنانه آن سازمان مجید و همزمانش را به جای انسجام بیشتر، به سوی پراکندگی سوق می دهد و فرزندان شهدای (ساما)، جوانان و هواداران این جنبش را به سوی اغتشاش و سر در گمی بیشتر می راند.

پیام من به همه، مخصوصاً به افرادی که مصروف این فعالیت های فوق اند، اینست که اگر شده، به مناسبت چهلمین سالگرد پیشگام آزادیخواهان میهن - مجید - سر در گریبان خود نمائیم و به وجدان خود رجوع کنیم که رهبران و جانبازان (ساما) چه کردند و ما و شما به کدام طرف روان هستیم و چقدر از زندگی، وقت و امکان خود را به گفته زنده یاد "قیوم رهبر"، وقف سازمان، انقلاب و رهائی میهن و توده های تحت ستم آن می کنیم. وقت آن است که یک بار به وضعیت خونبار و اسفبار میهن اسیر و مردم دربند خویش نظر اندازیم. به چشم خویش مشاهده نمائیم که مردم بلاکشیده و بی دفاع ما در وطن اشغال شده در آتش جنگ تجاوزکارانه و ارتجاعی امپریالیسم اشغالگر و دار و دسته های مرتجع و مزدور می سوزند و ما دور از آتش جنگ در عیش و نوش خود هستیم و همه را فراموش کرده ایم و صرف سالی یک بار با تدویر میتینگ هائی که صرف خود ما را راضی می سازد، بسنده کرده و دل خوش می کنیم.

دوستان و رفقاء!

ما در قرن بیست و یکم در عصر انقلاب تکنولوژی مدرن قرار داریم و اشکال مبارزات سیاسی و اقتصادی در کل تغییر کرده، اما چیزی که سر جایش مانده و تغییر نکرده است، جوهر مترقی و انسانی ارشادات، اندیشه ها، رهنمود ها، تجارب، گفتار ها و کارنامه های بزرگان اندیشه و فرهنگ ما از مولانا، فردوسی و حافظ تا مارکس، لنین، مائو تسه دون، مجید، یاری، "رهبر" و هزاران نویسنده و آموزگار راه و رسم پیشروی و آزادیخواهی است. این ارثیه منبع غنی آموزش و رهنمائی است و به نسل ما و پس از ما کمک می کند کار ناتمام شان را ادامه داده و راه را از بی راهه تشخیص بدهیم. در عصر امروز مبارزه بدون تشکیلات ناممکن است. فقط با تجمع در تشکیلات و تقویت آن است که می توانیم تعهد خویش را با اندیشه و آرمان بزرگان راه انقلابی و آزادیخواهی میهن در نظر و عمل نشان دهیم.

دوستان گرامی! قله های بلند هندوکش و پامیر، تاکستان های شمالی، کاجستان های پکتیا و کنر، باغ و راغ و رود های خروشان کشورم را دوست دارم. اما رفاقت با مجید و یارانش این را به من آموخته است که این ها را همراه با زحمتکشان محنت دیده وطن – این آفرینندگان هستی و نعمت وطن و تاریخ – دوست بدارم. یعنی وطن با مردم و مردم با وطن. من مفهوم انسانیت، آزادی، وطندوستی، عیاری و راه و رسم مبارزه انقلابی، عشق به زحمتکشان، رفاقت و وفاداری را از مجید بزرگ آموختم و زیور تفکر و شخصیت خود ساختم و تا زنده ام، آن را از دست نمی دهم و به راه و آرمان او وفادار باقی خواهم ماند.

در اهتزار باد درفش خونرنگ مبارزه مجید و آزادیخواهان میهن!

زنده باد افغانستان و مردم آزاده و مغرور آن!

۰۷ جون ۲۰۲۰